



Iranian Primary School in Trabzon (1885-1941)

Nezamali Dehnavi¹

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

Abstract:

purpose: Explains the process of the establishment of the Iranian school and problems and obstacles the founders faced.

Method and Research Design: Findings are based on archival documents available in the Ministry of Foreign Affairs and Persian publications in the Ottoman Empire.

Findings and Conclusion: Rapid changes in the style of school education in the western world and the initiatives by their governments, the private sector, and the dignitary in setting up modern schools, Iranians of Trabzon were encouraged to Set up their own primary school. The curricula, assessment procedure, teacher selection, age and gender of students, architecture of these modern schools, marked a sharp difference with the traditional maktab. The school trained a great number of the children of different sectors of the Iranian community in the city long before modern schooling started in Iran.

Keywords: Trabzon, Naseri Primary School, Ahmadi Primary School, Ottoman.

Citation:Dehnavi, N. (2021). Iranian Primary School in Trabzon (1885-1941). *Ganjine-ye Asnad*, 31(3), 6-24 | doi: 10.30484/ganj.2021.2716

1. Assistant Professor,
Department of History, Payam Noor
University, Kermanshah, I. R. Iran.
nezamdehnavi@yahoo.com
Copyright © 2021, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«123»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI):10.30484/ganj.2021.2716

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 31, No. 3, Autumn 2021 | pp: 6 - 24 (19) | Received: 17, Jan. 2019| Accepted: 20, Jun. 2020

Historical research



دبستان ایرانیان در طرابوزان (۱۳۰۲ق-۱۳۶۰ق / ۱۲۶۴ش-۱۳۲۰ش)

نظامعلی دهنوی^۱



فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشئولوژی

مقاله پژوهشی

چکیده:

هدف: بررسی نحوه تأسیس دبستان ایرانیان در طرابوزان، روند فعالیت، و مشکلات پیش‌روی آن.
روش / رویکرد پژوهش: این پژوهش با تکیه بر روش تحقیق تاریخی و با استفاده از اسناد و مدارک آرشئولوژی و نشریات فارسی منتشرشده در امپراتوری عثمانی انجام شده است.
یافته‌ها و نتیجه‌گیری: تحولات سریع در تغییر سبک آموزش در مدارس در دنیای غرب و اقدامات دولت‌ها و تجار و بزرگان آن کشورها در ساخت مدارس باعث شد که ایرانیان طرابوزان نیز به پیروی از آن‌ها دبستانی به سبک نوین تأسیس کنند. تفاوت اساسی مواد درسی، سنجش و ارزیابی تحصیلی، انتخاب معلمان، سن و جنس دانش‌آموزان، معماری و فضای مدارس جدید و از جمله دبستان طرابوزان با مکتب‌خانه‌های پیش‌از خود، گسستی تاریخی در حوزه تعلیم و تربیت آن دوره ایجاد کرد. این مدرسه مدرن در دوره فعالیت خود با آموزش تعداد زیادی از کودکان اقشار مختلف جامعه ایرانی طرابوزان، در روزگاری که هنوز نظام نوین آموزش کودکان در ایران شکل نیافته بود، توانست نقشی ارزشمند ایفا کند.

کلیدواژه‌ها: طرابوزان؛ مدارس نوین؛ دبستان ناصری (دبستان احمدیه)؛ عثمانی.

استناد: دهنوی، نظام علی. (۱۴۰۰). دبستان ایرانیان در طرابوزان (۱۳۰۲ق-۱۳۶۰ق / ۱۲۶۴ش-۱۳۲۰ش).

گنجینه اسناد، ۳۱(۳)، ۶-۲۴ | ۲۰۲۱، ۲۷۱۶/ganj.۲۰۲۱، ۳۰۴۸۴/doi: ۱۰,۳۰۴۸۴

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور،

کرمانشاه، ایران

nezamdehnavi@yahoo.com



گنجینه اسناد

«۱۲۳»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰,۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۱، ۲۷۱۶

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۱، دفتر ۳، پاییز ۱۴۰۰ | صص: ۶-۲۴ (۱۹)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۷ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۳۱

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه

طرابوزان به‌عنوان یکی از شهرهای عمده در مسیر تجارت ایران با عثمانی و اروپا، همواره جایگاهی ویژه برای ایرانیان دوره قاجار داشت (استادوخ، ۱۳۲۸ق، کارتن ۱۱، پرونده ۱، ص ۱۹۹)؛ از این رو، تعدادی از ایرانیان از اقشار گوناگون و به‌ویژه از تجار معتبر همواره در این شهر ساکن بودند (فراهانی، ۱۳۶۲، ص ۹۴). تأسیس مدارس نوین و گسترش آن در غرب و نیز در امپراتوری عثمانی باعث شد که میرزا حسین خان مصباح‌السلطنه کنسول ایران در طرابوزان هم، با مساعدت تجار و بزرگان ایرانی آن سامان در سال ۱۳۰۲ق مدرسه‌ای به‌سبک جدید برای تحصیل کودکان ایرانی در آن شهر بنا کند (اختر، سال ۱۲، شماره ۵۸، ۲۴ ذی‌قعدة ۱۳۰۳، ص ۵۹؛ پرورش، سال اول، شماره ۲۵، ۱۸ شعبان ۱۳۱۸، ص ۱۴). دبستان مذکور در طول حیات خود فرازونشیب‌های فراوانی داشت. هر زمان کنسول وقت ایران در طرابوزان به این نهاد اجتماعی توجه کافی داشت، امور دبستان هم به‌سامان بود و هر دوره‌ای که کنسول‌ها به امور دبستان بی‌توجه بودند، دبستان از رونق و اعتبار می‌افتاد. جنگ جهانی اول و تصرف طرابوزان توسط روس‌ها وقفه‌ای در روند تحصیل در این دبستان ایجاد کرد (استادوخ، ۱۳۰۲-۱۳۲۸ش، کارتن ۸، پرونده ۵، صص ۱۰-۱۱). با فروپاشی امپراتوری عثمانی، بر سر نحوه اداره این مدرسه و نیز دریافت مالیات از این نهاد، تعارض‌هایی میان دولت جدید ترکیه با ایران شکل گرفت (استادوخ، ۱۳۲۹-۱۳۴۹ش، کارتن ۲۳، پرونده ۱۶۹، ص ۱۳۲).

مشکلات این دبستان بیش‌تر در حوزه مالی و ایجاد عایدات ثابت و مداوم برای رتق وفتق امور آن بود. در این راه، تجار و مکاری‌های ایرانی گام‌هایی بزرگ برداشتند و سهمی از امتعه تجاری‌ای را که وارد و صادر می‌کردند به اداره امور این دبستان اختصاص دادند.

پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش‌ها است:

۱. دلایل شکل‌گیری دبستان ایرانیان در طرابوزان چه بوده‌است؟
 ۲. مشکلات پیش‌روی این نهاد آموزشی در طول حیاتش چه بوده‌است؟
- این پژوهش با تکیه بر روش تحقیق تاریخی و با استفاده از اسناد و مدارک آرشیوی، و نشریات فارسی منتشر شده در امپراتوری عثمانی انجام شده‌است.

پیشینه پژوهش: بررسی‌ها نشان می‌دهد که تاکنون پژوهشی درباره ایرانیان مقیم طرابوزان و به‌ویژه دبستان ایرانیان آن دیار انجام نشده‌است؛ بنابراین، پژوهش حاضر گام نخست و مهمی در راستای شناخت اقدامات ایرانیان در بنیاد نهادن دبستان مذکور است. اساس



داده‌های این پژوهش، اسناد موجود در آرشیو وزارت امور خارجه است. نشریات ایرانیان در امپراتوری عثمانی نیز اطلاعاتی ذی‌قیمت از اوضاع این دبستان از تأسیس تا انقلاب مشروطیت در اختیار گذاشتند. کمبود اطلاعات و داده‌ها درباره روند فعالیت دبستان در اغلب سال‌ها، مشکلات فراوانی پیش‌روی این پژوهش ایجاد کرد و به‌ویژه شناخت روند فعالیت آموزشی آن را با نقصان روبه‌رو کرد.

۲. ایرانیان مقیم طرابوزان

نام طرابوزان در اسناد و سفرنامه‌های ایرانی و منابع دوره عثمانی به‌صورت طرابزون، طریزون و اطرابزنده نیز نوشته شده است (استادوخ، ۱۳۲۸ق، کارتن ۱۱، پرونده ۱، ص ۱۹۹؛ استادوخ، ۱۳۰۲-۱۳۲۸ش، کارتن ۸، پرونده ۵، ص ۴؛ استادوخ، ۱۳۱۷-۱۳۱۸ش، کارتن ۷۲، پرونده ۱۶۸۳، ص ۶۷؛ فراهانی، ۱۳۶۲، ص ۹۲؛ رفعت، ۱۳۰۰ق، ج ۴، ص ۳۳۲؛ سامی، ۱۳۱۱ق، ج ۴، ص ۳۰۵؛ Sezen, 2006, p493). طرابوزان شهری است در کنار دریای سیاه که از سه طرف با کوه محاصره شده است. میرزا محمدحسین فراهانی هنگام بازدید از طرابوزان در سال ۱۳۰۲ق جمعیت این شهر را نزدیک به ۸ هزار خانوار، برابر با ۳۰ هزار نفر، برآورد کرده است (فراهانی، ۱۳۶۲، صص ۹۲-۹۳).

شهر طرابوزان از دوره ناصرالدین‌شاه تا پایان حاکمیت امپراتوری عثمانی بعد از اسلامبول^۱ همواره جایگاه دوم را در حوزه روابط اقتصادی با ایران داشت. تغییر مسیر تجارت نیمه شمال ایران از اسلامبول به طرابوزان در سال ۱۸۳۰م/۱۲۴۶ق یکی از وقایع مهم در تاریخ اقتصادی ایران محسوب می‌شود. عواملی چند در این تغییر مسیر نقش داشتند: تلاش انگلستان برای بازگشایی راهی کوتاه‌تر و ارزان‌تر برای ارسال امتعه انگلیسی به ایران؛ برقراری حقوق گمرکی بر کالاهای ترانزیتی از مسیر گرجستان توسط روس‌ها در سال‌های ۱۸۳۱م/۱۲۴۷ق و ۱۸۴۶م/۱۲۶۲ق؛ برقراری کشتی‌های بخار بین طرابوزان و اسلامبول؛ و نیز افزایش مصائب و مشکلات جاده بغداد (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۱۳۹؛ آبراهامیان، ۱۳۸۰، صص ۱۸۲-۱۸۳). باتوجه به این اهمیت، همواره جمعی از تجار برجسته ایرانی در این سامان حضور داشتند که به‌نوعی در واردات و صادرات کالا به ایران نقشی برجسته ایفا می‌کردند (کتابچه کل تجارت، ۱۲۸۸ش، ص ۱۵۳؛ احصائیه تجارتهای ایران، ۱۲۹۳ش، ج ۲، ص ۷۶). پس از تشکیل ترکیه نوین و به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم مسیر تجارت از طرابوزان-تبریز به مسیرهای دیگر تغییر کرد؛ در نتیجه جایگاه اقتصادی طرابوزان کاهش یافت و تجار ایرانی نیز آن شهر را ترک کردند (استادوخ، ۱۳۲۹-۱۳۴۹ش، کارتن ۲۳، پرونده ۱۶۹، ص ۱۳۲)؛ به‌همین دلیل دیگر ایرانی زیادی در آن دیار زیست نمی‌کرد

۱. اسلامبول یکی از قدیمی‌ترین و مشهورترین شهرهای جهان است که در دوره حاکمیت عثمانی به نام اسلامبول معروف بود؛ ولی با فروپاشی این امپراتوری و تأسیس ترکیه نوین، این شهر در سال ۱۳۰۹ش/۱۹۳۰م به استانبول تغییر نام داده شد. در این مقاله هر جا که نام این شهر در پیش از سال مذکور ذکر شده از واژه اسلامبول استفاده شده و اگر پس از آن سال آمده، کلمه استانبول به کار رفته است.



و یا اگر افرادی از اقشار فرودست چون کسبه، کارگران و باربران روزمزد هم‌چنان در آن شهر حضور داشته‌اند، در اسناد بررسی شده نامی از آن‌ها نیامده‌است.

فراهانی در سفرنامه خویش، تعداد ایرانیان ساکن طرابوزان و توابع آن را در سال ۱۳۰۲ ق حدود ۸۰۰ نفر برآورد کرده‌است که از این تعداد حدود ۵۰ نفر از آنان تاجر و مابقی کسبه و... بوده‌اند. او از میان تجار ایرانی آن شهر از افرادی چون حاجی سیدعلی آقای تاجر، حاجی ملاعلی خوبی، حاجی علی اصغر خوبی، کربلایی کاظم تبریزی و آقامحمود سلماسی نام می‌برد (فراهانی، ۱۳۶۲، ص ۹۴).

میرزا محمد حسین فراهانی تجارت این شهر را به دو بخش تقسیم کرده‌است: یک بخش تجارت امتعه داخلی و دیگری تجارت کالاهای خارجی که اغلب شامل شکر، قند و خشکبار بود. او بیان می‌دارد که تجارت ابریشم کاشان در این دیار رونق دارد و منافع خوبی نیز برای کارگزاران این حوزه در پی دارد. مال‌التجاره از اسلامبول به ایران از مسیر طرابوزان و از طریق مکاری‌ها در حدود ۲۴ روز به تبریز رسانده می‌شود (فراهانی، ۱۳۶۲، ص ۹۴).

۳. مدرسه ایرانیان در طرابوزان

دبستان ایرانیان در طرابوزان از تأسیس تا انحلال، تاریخی پرفراز و نشیب دارد. روند تحصیل در این دبستان در دوره‌هایی دچار وقفه شد و حتی نام آن نیز از ناصری به احمدیه تغییر یافت (استادوخ، ۱۳۰۲-۱۳۲۸ ش، کارتن ۸، پرونده ۵، ص ۴).

۱.۳. مدرسه ناصری

۱.۱.۳. تأسیس دبستان

دبستان ناصری پس از مدارس ایرانیان در ازمیر و اسلامبول، سومین دبستان ایرانی به‌سبک مدرن در خاک عثمانی به‌شمار می‌رود. تأسیس این دبستان به روزگار فعالیت میرزا حسین خان مصباح‌السلطنه، کنسول ایران در طرابوزان برمی‌گردد. او در سال ۱۳۰۲ ق با اعانه تجار ایرانی آن سامان یک باب خانه به‌مبلغ ۲۵۱ لیره به‌مساحت ۵۲۵ متر برای تحصیل کودکان ایرانی خرید. از آن‌جا که خانه مذکور مکان خیلی مناسبی برای دبستان نبود، حدود ۱۰۰ لیره دیگر صرف تعمیر و ترمیم آن شد (اختر، سال ۱۲، شماره ۵۸، ۲۴ ذی‌قعدة ۱۳۰۳، ص ۴۵۹؛ پرورش، سال اول، شماره ۲۵، ۱۸ شعبان ۱۳۱۸، ص ۱۴).

پس از عزل مصباح‌السلطنه، دیگر کنسول‌ها تا انتصاب میرزا اسدالله معین‌الوزرا چندان توجهی به امور دبستان مذکور نکردند؛ در نتیجه، مکانی که برای دبستان مذکور خریداری و وقف شده بود بدون هیچ شاگردی خالی و کهنه شد و جز نامی از آن باقی نماند و اندک



عایدی مختص امورات آن نیز حیف و میل می‌شد. در این روزگار، ایرانیان متمول کودکان خود را برای تحصیل به دبستان‌های عثمانی فرستادند. معین‌الوزرا بعد از تعیین به‌عنوان کنسول ایران در طرابوزان درصدد برآمد تا به امور دبستان مذکور نظم و نسق بدهد. ساختمان دبستان در این زمان در اختیار فردی از اهل شریعت و از اهالی طرابوزان بود که خروج آن بسیار دشوار می‌نمود. چندین ماه طول کشید تا کنسول مذکور توانست مقامات محلی و سیستم نظارتی معارف عثمانی را قانع کند که ساختمان دبستان مذکور ملک موقوفه است و از اموال ایرانیان است و فرد مذکور را بیرون کند و اجازه افتتاح مجدد آن از اداره معارف محلی اخذ کند (پرورش، سال اول، شماره ۲۵، ۱۸ شعبان ۱۳۱۸، ص ۱۴). پس از افتتاح مجدد مدرسه و استخدام چند معلم، امور دبستان نظم و نسقی خاص یافت. معلمان زبان‌های فارسی، عربی و ترکی دبستان از اشخاص برجسته و سرآمد انتخاب شدند و امور دبستان بار دیگر سامان یافت. ترقی و پیشرفت دبستان چنان شد که برخی از فرزندان اعیان طرابوزان نیز تحصیل در این دبستان را شروع کردند. نام این دبستان در روزگار مذکور در فهرست دبستان‌های شهر طرابوزان ذکر شده است و مدارک دانش‌آموختگان آن نیز در سیستم اداری دولت عثمانی پذیرفته می‌شد. شاگردان این دبستان پس از اتمام مقطع ابتدایی می‌توانستند در مدارج علمی بالاتر در آن کشور وارد شوند (پرورش، سال اول، شماره ۲۵، ۱۸ شعبان ۱۳۱۸، ص ۱۴).

۲.۱.۳. تجدید بنا و تغییر نام دبستان به احمدیه

دبستان ناصری در ایام محرم به‌عنوان حسینیه برای انجام مراسم مذهبی ایرانیان استفاده می‌شد (استادوخ، ۱۳۰۲-۱۳۲۸ ش، کارتن ۸، پرونده ۵، ص ۴). این دبستان در محرم سال ۱۳۲۶ ق از سمت چای‌خانه آن طعمه حریق شد و تخریب شد. این حادثه هم‌زمان با سال به‌توب‌بستن مجلس به‌فرمان محمدعلی شاه رخ داد. پس از این حادثه، ایرانیان طرابوزان در یک گروه‌مایی، تجدید بنای این مدرسه را که نقش حسینیه هم داشت، بر خود لازم دانستند. در این تجمع، فهرستی تهیه شد تا هریک از افراد ایرانی طبق توان خویش مقداری اعانه برای بازسازی مجدد پرداخت کنند. طبق این فهرست قرار شد که در مجموع مبلغی در حدود ۵۰۰ لیره عثمانی اعانه داده شود. تحولات درون ایران پس از به‌توب‌بستن مجلس و تأثیر آن بر اوضاع اقتصادی ایرانیان باعث شد که شرایط تجار ایرانی طرابوزان نیز وخیم شود و در نتیجه کار بازسازی مدرسه تا مدتی مسکوت بماند. سرانجام یکی از تجار معارف‌خواه ایرانی در طرابوزان بانام حاجی جواد شال‌فروش تبریزی بدون کسب مساعدت و کمک از دیگران بنای مدرسه را تجدید کرد. او به دیگر ایرانیان آن سامان



توصیه کرد که اگر قصد پرداخت اعانه دارند، مبالغ را صرف خرید «املاک و عقار» کنند تا به قول ایشان «مجربایی صحیح برای واردات مدرسه» شکل گیرد (استادوخ، ۱۳۰۲-۱۳۲۸ش، کارتن ۸، پرونده ۵، ص ۴).

سرانجام در ۱۵ شوال ۱۳۲۷ کلنگ تجدید بنای دبستان ازسوی حاجی جواد شال‌فروش با حضور جمعی از بزرگان ایرانی مقیم طرابوزان و نیز شاگردان سابق مدرسه مذکور بر زمین زده شد. دلیل انتخاب این روز از نظر ایرانیان آن سامان آن بود که چون تخریب دبستان هم‌زمان با ایام آشوب محمدعلی شاه و به‌توب‌بستن مجلس بوده‌است، پس تجدید بنای آن نیز در ایام افتتاح مجلس مذکور باید باشد (استادوخ، ۱۳۰۲-۱۳۲۸ش، کارتن ۸، پرونده ۵، ص ۴؛ استادوخ، ۱۳۲۹-۱۳۴۹ش، کارتن ۲۳، پرونده ۱۶۹، ص ۲۳؛ چهرنما، سال ۶، شماره ۱۶، اذی حجه ۱۳۲۷، ص ۴).

ایرانیان مقیم طرابوزان از بازسازی دبستان بسیار شادمان و خوشحال شدند؛ زیرا آنان به قول خود «با هزاران حسرت در جرائد فرنگ احساسات و اقدامات خیریه معارف‌پرورانه اروپائیان و آمریکایی‌ها را» می‌دیدند. هم‌چنین با مطالعه نشریات آگاه می‌شدند که غربی‌ها در راه تشکیل مدارس و تعلیم فرزندان مملکت خود «هریک چندین کرور (مبالغه ندارد) از ثروت و دارائی خود را» صرف می‌کنند (چهرنما، سال ۶، شماره ۱۶، اذی حجه ۱۳۲۷، صص ۴-۵).

مهندسان و متخصصانی که از خرابه‌های دبستان بازدید کرده بودند به ایرانیان گوشزد کردند که بازسازی دبستان به بیش از «هزار و چندصد لیره» نیاز خواهد داشت. البته حاجی جواد شال‌فروش تقبل کرد که مبلغ مذکور را برای بازسازی دبستان بدون مساعدت دیگران بپردازد (چهرنما، سال ۶، شماره ۱۶، اذی حجه ۱۳۲۷، ص ۵). بالاخره دبستان مذکور به‌سبب مدرن و با بتن و هزینه کامل شال‌فروش تجدید بنا شد و نام آن به احمدیه تغییر یافت و تا جنگ جهانی اول از مدارس مناسب طرابوزان محسوب می‌شد. در این جنگ طرابوزان تسخیر شد و مدرسه مذکور نیز به‌دست روس‌ها افتاد و تعطیل شد (استادوخ، ۱۳۰۲-۱۳۲۸ش، کارتن ۸، پرونده ۵، صص ۱۰-۱۱؛ استادوخ، ۱۳۲۹-۱۳۴۹ش، کارتن ۲۳، پرونده ۱۶۹، ص ۲۳).

اسناد نشان می‌دهد که پس از خروج روس‌ها از خاک عثمانی و در ایام تشکیل دولت جدید در ترکیه فعالیت مجدد دبستان احمدیه آغاز شد. سرانجام این دبستان از سال ۱۳۲۰ش به‌علت کاهش تعداد دانش‌آموزان ایرانی به‌دلیل خروج بسیاری از ایرانیان و به‌ویژه تجار از طرابوزان، برای همیشه تعطیل شد. در سال ۱۳۲۰ش در ایام جنگ دوم جهانی، اداره بسیج عمومی ترکیه ساختمان مذکور را تا سال ۱۳۲۳ش از کنسول‌گری ایران اجاره کرد. از سال ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۶ش کنسول‌گری محافظت بنا را به‌عهده گرفت و یک

۱. عقار: املاک و مستغلات و درخت خرما و مانند این‌ها (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۲۵۵۵).



نفر نگهبان را بر آن گمارد و به تعمیراتی نیز دست زد. از سال ۱۳۲۶ش اداره انحصارات ترکیه بنای مدرسه را برای انبار توتون از کنسول‌گری اجاره کرد (استادوخ، سال ۱۳۲۹-۱۳۴۹ش، کارتن ۲۳، پرونده ۱۶۹، ص ۱۳۲).

سفارت ایران در آنکارا طی نامه‌ای به سرکنسول‌گری ایران در طرابوزان یادآور شد که ملک مدرسه و مسجد ایرانیان در طرابوزان از موقوفات ایرانیان است که با موافقت وزارت فرهنگ و وزارت امور خارجه از ابتدای فروردین ۱۳۳۲ تمام املاک موقوفه ایرانی در ترکیه و از جمله طرابوزان به انجمن خیریه ایرانیان در استانبول واگذار شده است (استادوخ، سال ۱۳۲۹-۱۳۴۹ش، کارتن ۲۳، پرونده ۱۶۹، ص ۱۳۲).

۳.۱.۳. ساختار مالی دبستان

الف) منابع درآمد: عایدات از تجار و مکاری‌ها

سال‌های آغازین فعالیت دبستان ناصری و به‌ویژه در دوره کنسول‌گری مصباح‌السلطنه هزینه‌های دبستان مذکور از طریق گردآوری اعانه از تجار و متمولان ایرانی مقیم طرابوزان پرداخت می‌شد. با بی‌توجهی کنسول‌های بعدی تا قبل از روزگار کنسول‌گری میرزااسدالله معین‌الوزرا، شرایط دبستان به‌تدریج رو به خرابی نهاد تاجایی که دیگر شاگردی در آن به تحصیل مشغول نبود. میرزااسدالله پس از انتصاب، با برگزاری جلسات متعدد و دعوت از تجار ایرانی مقیم طرابوزان، درباره راه‌اندازی مجدد دبستان و محل و چگونگی دریافت هزینه‌های آن به بحث و گفت‌وگو پرداخت. سرانجام مقرر شد که از هر بار قماش تجار ایرانی که وارد طرابوزان می‌شود و یا از آن خارج می‌شود مبلغ یک غروش [قروش] دریافت شود و این رسم به‌عنوان اعانه دبستان، مدام ماندگار باشد (پروورش، سال اول، شماره ۲۵، ۱۸ شعبان ۱۳۱۸، ص ۱۴).

عایدات مدرسه برای تداوم فعالیت آن به دریافت حق عبور (ترانزیت) از شترداران ایرانی وابسته بود. شترداران ایرانی برای حمل بار از طریق طرابوزان و ارزروم به ایران از پیش از جنگ جهانی اول بابت هر بار مبلغ یک لیره و نیم ترک (معادل پنج قران) به کمیسیون‌چی‌های ایرانی پرداخت می‌کردند که از این مبلغ یک لیره حق کمیسیون و نیم لیره دیگر بابت نگهداری و مخارج مدرسه احمدیه در طرابوزان و نیز مرخص‌خانه ایرانیان در اسلامبول بود (استادوخ، ۱۳۰۲-۱۳۲۸ش، کارتن ۸، پرونده ۵، ص ۲۳).

در جنگ جهانی اول اوضاع عثمانی نابه‌سامان شد و جنگ و درگیری به طرابوزان نیز کشیده شد. در این شرایط به‌ناچار دبستان احمدیه تعطیل شد؛ ولی کمیسیون‌چی‌ها همانند روزگار گذشته مبلغ مذکور را از شترداران دریافت می‌کردند. اسناد و شواهد نشان می‌دهد که



کمیسیون‌چی‌ها از مبالغ دریافتی از شترداران هیچ کمکی به دبستان و مریض‌خانه مذکور نکردند و در این آشفتگی تمام آن را حیف و میل کردند (استادوخ، ۱۳۰۲-۱۳۲۸ ش، کارتن ۸، پرونده ۵، صص ۱۰-۱۱).

با فروکش کردن آتش جنگ جهانی و بازگشایی مدرسه مذکور، کمیسیون‌چی‌ها از پرداخت معوقات مذکور سر باز زدند و این موضوع به اختلافی شدید میان کنسول‌گری ایران و کمیسیون‌چی‌ها تبدیل شد. بررسی اسناد نشان می‌دهد که با وجود دریافت نکردن وجهی مشخص از دولت ایران بابت اداره دبستان، به علت دریافت سالیانه مبلغ چهار هزار تومان عایدات از طریق ترانزیت کالا برای رتق وفتق امور دبستان مذکور، دانش‌آموزان به صورت مجانی تحصیل می‌کردند (استادوخ، ۱۳۲۹-۱۳۴۹ ش، کارتن ۲۳، پرونده ۱۶۹، صص ۲۳).

میرزا مسعودخان کنسول ایران در طرابوزان در ۱۲ شهریور ۱۳۰۴ در مراسله‌ای به انجمن ایرانیان در اسلامبول بیان کرد که بودجه مدرسه احمدیه نامنظم است و «تأدیة آن به میل اشخاص منوط» شده است. او بیان می‌کند که طی جلساتی متعدد در صدد رتق وفتق امور برآمده است؛ ولی افرادی که خود را کمیسیون‌چی می‌خوانند میل ندارند دیناری پرداخت کنند. کمیسیون‌چی‌ها معتقدند که به نام مدارس و مریض‌خانه دیناری اخذ نمی‌کنند؛ بلکه با عنوان حق الزحمه خود از شترداران و جوهی مشخص اخذ می‌کنند (استادوخ، ۱۳۰۲-۱۳۲۸ ش، کارتن ۸، پرونده ۵، صص ۲۳). سفارت کبرای ایران در اسلامبول به پرداخت نشدن نیم لیره توسط کمیسیون‌چی‌ها سخت واکتش نشان داد و طی دستوری به کنسول ایران در طرابوزان خاطر نشان ساخت که به اطلاع کمیسیون‌چی‌ها رسانده شود که در صورت نپرداختن وجه مذکور امور شترداران را از دست آن‌ها خارج خواهند کرد (استادوخ، ۱۳۰۲-۱۳۲۸ ش، کارتن ۸، پرونده ۵، صص ۳۰-۳۱). کنسول‌گری ایران در طرابوزان طی متحدالمالی^۱ به دلالت ایرانی در آن شهر اخطار کرد که چون حفظ عایدات مؤسسات خیریه زیر نظر مستقیم کنسول‌گری است باید شروط زیر را رعایت کنند:

۱. لازم است که از ۸ خرداد ۱۳۰۴ به بعد صورت صحیح و دقیق تعداد شترداران ایرانی‌ای را که به طرابوزان وارد می‌شوند به این کنسول‌گری اطلاع دهند.
۲. لازم است که تعداد جلوداران هر دسته را کتباً به اداره کنسول‌گری اطلاع دهید و معرفی کنید.

۳. از این تاریخ به بعد بدون اطلاع کنسول‌گری باری به ایران حمل نکنید.

۴. صورت قراردادی که بین شترداران و کمیسیون‌چی‌ها برای حمل مال التجاره بسته می‌شود باید با اطلاع کنسول‌گری باشد.

در نهایت نیز کنسول به آن‌ها تذکر و اخطار می‌دهد که هرگاه برخلاف تصمیمات

۱. متحدالمالی: بخش‌نامه



مذکور عمل کنند و یا صورت شترداران را کم‌وزیاد اعلام کنند به‌شدت موردسؤال و مؤاخذه قرار خواهند گرفت (استادوخ، ۱۳۰۲-۱۳۲۸ش، کارتن ۸، پرونده ۵، ص ۷۰).

اعانه‌های متفرقه توسط ایرانیان خارج از طرابوزان

یکی از منابع درآمد دبستان ناصری، اعانه ایرانیان خارج از طرابوزان بود که هنگام حضور در این شهر می‌پرداختند. البته به‌علت مرکز نبودن طرابوزان نمی‌توان حضور بزرگان ایرانی را در آن مانند اسلامبول پررنگ دانست؛ به‌همین دلیل مبالغی که از این راه کسب می‌شد اندک و غیردائمی بود. مدارس نوین ایرانیان در امپراتوری عثمانی در روزگار ناصری چنان جایگاه بالایی داشتند که مقامات ارشد نظام دیپلماسی ایران در عثمانی به تشکیل آن‌ها فخر فراوان می‌ورزیدند و عملکرد این مدارس زیر ذره‌بین مقامات مذکور بود و هر زمانی که بزرگان ایرانی وارد قلمرو مأموریت این مقامات می‌شدند، یا از این مدارس بازدید می‌کردند و یا شاگردان آن مدارس به کنسول‌گری ایران دعوت می‌شدند که از نزدیک پیشرفت‌های علمی و به‌ویژه تبحرشان در حوزه سخنوری و فصاحت زبان سنجیده شود. برای نمونه، در سال ۱۳۰۴ق ابوالحسن میرزا شیخ‌الرئیس قاجار - از شاهزادگان توانمند در حوزه علم و دانش - به طرابوزان رفت و با حاجی میرزارضی، کارپرداز اول ایران مقیم آن ولایت دیدار کرد. بعد از ورود او شاگردان دبستان ناصری به کنسول‌گری ایران دعوت شدند و در حضور او و مقامات ایرانی چند خطابه قرائت کردند؛ پس از آن هم شیخ‌الرئیس سخنرانی کرد. در این جلسه مقداری اعانه برای مصارف دبستان جمع شد و حاجی میرزارضی نیز از جمله اعانه‌دهندگان بود (اختر، سال ۱۳، شماره ۲۳، ۱۳ جمادی‌الآخر ۱۳۰۴، ص ۱۸۲).

ب) مراجع رسیدگی به امور مالی دبستان

۱. کنسول ایران در طرابوزان

کنسول‌های ایرانی از ابتدای تأسیس دبستان ایرانیان در طرابوزان تا تعطیلی دائمی آن، نقشی بنیادین در نظم‌دهی یا آشفتگی امور دبستان و به‌ویژه در حوزه مالی آن ایفا کردند. هریک از آنان که احساس علاقه بیشتری به امور دبستان داشتند، در دوره آن‌ها امور مدرسه نیز بسیار سامان می‌یافت و هر زمان کنسولی به امور دبستان بی‌توجه می‌شد، دبستان دچار اضمحلال و ناتوانی می‌شد. نگاهی مختصر به مباحث پیشین، به نیکی از اهمیت نقش و جایگاه کنسول‌های ایرانی در طرابوزان در سامان‌دهی یا پریشان‌حالی امور دبستان مذکور نشان دارد. از همان ابتدای تأسیس دبستان با حمایت قاطع کنسول ایران در سال ۱۳۰۲ق، وظیفه دعوت از تجار، اصناف و بزرگان ایرانی در طرابوزان برای کمک و مساعدت به‌عهده

کنسول وقت بود. تنظیم برنامه‌ای جامع برای دریافت مداوم مبلغی مشخص از هریک از شترداران ایرانی که از طرابوزان عبور می‌کردند - به‌عنوان عایدات ثابت دبستان ایرانیان آن دیار - و نیز نظارت مداوم بر این عایدات از جمله اقدامات بسیار مهم کنسول‌های ایرانی آن شهر محسوب می‌شد (استادوخ، ۱۳۰۲-۱۳۲۸ش، کارتن ۸، پرونده ۵، ص ۲۳).

کنسول‌های ایران پس از بازگشایی دبستان احمدیه - بعد از وقفه و تعطیلی دبستان با تصرف آن به‌دست روس‌ها در جنگ جهانی اول - در سامان‌دهی امور مالی آن دخالت فراوانی کردند. یکی از کنسول‌های این دوره که نقشی فراوان در رتق وفتق مالی دبستان و نظارت بر عایدات آن ایفا کرد میرزاسعودخان بود. او به‌محض انتصاب به مسند ریاست کنسول‌گری ایران در طرابوزان، به مسائل مالی دبستان مذکور رسیدگی کرد و به آن نظم داد. سرانجام او در بخش‌نامه‌ای دلالت‌آمیز ایرانی طرابوزان را ملزم کرد تا مبالغ دریافتی از شترداران ایرانی بابت هزینه دبستان ایرانیان در طرابوزان را به موقع تحویل دهند (استادوخ، ۱۳۰۲-۱۳۲۸ش، کارتن ۸، پرونده ۵، ص ۷۰).

۲. انجمن دبستان

سامان‌دهی امور دبستان ایرانیان در طرابوزان بدون نظارت مستقیم ایرانیان آن سامان امری دشوار بود. در این راستا، میرزاسعودخان، کنسول وقت دولت ایران، تعدادی از ایرانیان سرشناس مقیم طرابوزان را در ۲ شهریور ۱۳۰۴ به کنسول‌گری ایران دعوت کرد. هدف اصلی این جلسه، تشکیل انجمن ایرانیان طرابوزان بود که عمده اهداف آن سامان‌دهی و اصلاح امور دبستان و عایدات و مخارج آن بود. دستاورد جلسه مذکور آن شد که حاضران تعدادی از افراد را به‌عنوان اعضای اصلی و کارگزار انجمن ایرانیان طرابوزان انتخاب کردند: حاجی حسن طاهباز، محمدعلی محمودزاده، میرزامحمدحسین صراف‌زاده، علی‌آقا میرزاده، میرهادی عظیم‌خان و میرزامحسن (استادوخ، ۱۳۰۲-۱۳۲۸ش، کارتن ۸، پرونده ۵، ص ۲۲).

در ۷ شهریورماه آن سال، جلسه‌ای با حضور اعضای اصلی انجمن ایرانیان طرابوزان در کنسول‌گری ایران در این شهر برگزار شد و در آن نشست اعضای انجمن دبستان تعیین شدند. در این جلسه میرزاسعودخان، کنسول ایران در طرابوزان، به ریاست انجمن انتخاب شد و میرزامحسن به‌سمت منشی انتخاب شد و در صورت غیبت او میرهادی به‌عنوان جانشین او و تحویلدار انجمن تعیین شد و تصمیم گرفته شد که در ۲۸ هرماه صورت محموله‌های تجار ایرانی به هیئت انجمن ارسال شود و سهمیه دبستان احمدیه و مریض‌خانه اسلامبول در حضور اعضای انجمن مشخص و تعیین شود (استادوخ، ۱۳۰۲-۱۳۲۸ش، کارتن ۸، پرونده ۵، ص ۲۲).



با تشکیل انجمن دبستان احمدیه در ابتدای سال تحصیلی ۱۳۰۴ش رتق وفتق امور مالی این دبستان برعهده این انجمن گذاشته شد.

۳. وزارت مالیه ایران و دبستان احمدیه

اگرچه میرزامسعودخان (کنسول ایران در طرابوزان)، و تجار و بزرگان ایرانی مقیم آن شهر و نیز اعضای انجمن ایرانیان در آن شهر قصد داشتند که انجمن دبستان مسئولیت محاسبات و رسیدگی به امور مالی (هزینه‌ها و عایدات) دبستان را خود به تنهایی انجام دهد، ولی اسناد و مدارک نشان می‌دهد که این رویه با قوانین مالیه ایران منطبق نبود و سرانجام با چالش روبه‌رو شد (استادوخ، ۱۳۰۲-۱۳۲۸ش، کارتن ۸، پرونده ۵، صص ۳۰-۳۱).

تغییر رویه ایران در بحث رسیدگی به امور مالی مدارس ایرانی خارج از کشور در هیئت دولت در سال ۱۳۰۴ش باعث شد که از آن زمان نقش نهایی محاسبات مالی دبستان احمدیه برعهده وزارت مالیه ایران نهاده شود؛ بنابراین، به موجب تصویب هیئت دولت، و حکم وزارت مالیه و دستور سفیرکبیر ایران در ترکیه، از آن پس کنسول ایران در طرابوزان مسئول نظم و ترتیب، اداره مدرسه و وصول عواید و محاسبات آن شناخته شد (استادوخ، ۱۳۰۲-۱۳۲۸ش، کارتن ۸، پرونده ۵، صص ۳۰-۳۱). طبق حکم مذکور، تکلیف منابع مالی، عایدات و... مشخص شد و سفرا، کنسول‌ها و کارگزاران مؤسسات خیریه حق نداشتند در محاسبه امور مالی شخصاً اعمال نظر کنند. در این راستا، سفیر ایران در ترکیه در پاسخ مراسله‌های کنسول ایران درباره مدرسه ایرانیان در طرابوزان و شرایط مالی آن، فصل الخطاب مسائل را حکم وزارت مالیه دانست و کنسول را از ابراز و اقدام شخصی در این باره برحذر داشت (استادوخ، ۱۳۰۲-۱۳۲۸ش، کارتن ۸، پرونده ۵، صص ۲۷). طبق این حکم کنسول ملزم شد که وجوه و عایدات را ضبط کند و پس از تعیین بودجه مدرسه ایرانیان در طرابوزان در انجمن دبستان، صورت آن را به سفارت ایران در اسلامبول ارسال کند و اضافه عایدی را به صندوق سفارت تحویل دهد؛ مسئول نظارت بر این محاسبات نیز وزارت مالیه ایران بود (استادوخ، ۱۳۰۲-۱۳۲۸ش، کارتن ۸، پرونده ۵، صص ۲۷).

۴. دولت ترکیه و دبستان احمدیه

در روزگار حاکمیت امپراتوری عثمانی، هریک از ملل و از جمله ایرانیان اگر در پی تأسیس مدرسه‌ای برای آموزش کودکان خویش برمی‌آمدند، بایستی فرمان و حکم دولت متبوع خویش را در اختیار کارگزاران عثمانی قرار می‌دادند. با فروپاشی امپراتوری مذکور، دولت جدید ترکیه نیز در سال ۱۳۰۴ش از مدارس خارجی و از جمله ایرانیان در

طرابوزان خواست که برای ادامه فعالیت، فرمان دولت متبوع خود را به آن کشور ارائه دهند. از آن‌جاکه فرمان قبلی در زمان حاکمیت امپراتوری عثمانی و پیش از جنگ جهانی اول صادر شده بود، به صدور فرمانی جدید نیاز بود. چون سفارت ایران هنوز به آنکارا (پایتخت جدید ترکیه) نقل مکان نکرده بود مشکلاتی در این باره ایجاد شد؛ بنابراین کنسول ایران در مراسله‌ای به اداره معارف ایران از آنان خواست تا زمان اجرای اقدام عملی سفیر کبیر در آنکارا، از مقامات ترکیه خواسته شود تا از ایجاد مانع پیش‌روی مدرسه ایرانیان جلوگیری کنند. سرانجام پیگیری‌های مداوم کارگزاران ایرانی در ترکیه و ارائه مستندات از گذشته باعث شد که از تعطیلی دبستان ایرانیان جلوگیری شود (استادوخ، ۱۳۰۲-۱۳۲۸ ش، کارتن ۸، پرونده ۵، ص ۴).

۵. قانون اخذ مالیات از مؤسسات خارجی در ترکیه و از جمله از دبستان احمدیه

یکی دیگر از عمده‌نگرانی‌های مدارس و مؤسسات خیریه خارجی در ترکیه و از جمله مدرسه ایرانیان در طرابوزان پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی و تشکیل دولت جدید، اخذ ۳۰ درصد مالیات بر عایدات از آن‌ها بود. وزارت مالیه ترکیه طی حکمی درباره نحوه مالیات مدارس داخلی و خارجی در ابتدای فروردین ۱۳۰۴ دریافت مالیات و معافیت‌های مدارس را مشخص کرد. طبق تبصره ۵ از ماده ۳ قانون مالیات، بناهای متعلق به جمعیت‌هایی که هدف آن‌ها خدمت به فرهنگ و منافع عمومی بود به دو شرط از پرداخت مالیات معاف بودند: یکی آن‌که هدف آن‌ها کسب درآمد نباشد و دوم آن‌که استیجاری نباشند. پس برای تشخیص معافیت مدارس از پرداخت مالیات بایستی شرایط آن‌ها به شرح زیر بررسی می‌شد:

۱. مدارس که از سوی جمعیت‌ها و مؤسسه‌های منسوب به اقلیت‌های ترکیه اداره می‌شد. از این مدارس آن‌هایی که استیجاری نبودند و به قصد درآمد تأسیس نشده بودند از پرداخت مالیات معاف بودند؛

۲. مدارس خصوصی ترکیه؛

۳. مدارس خارجیانی که جمعیت‌ها، مؤسسات و روحانیان آن‌ها را اداره می‌کردند.

طبق بخشنامه مورخ ۱۳۰۱/۱۱/۶ مدارس بیگانگان چون به فرهنگ عمومی ترکیه خدمت نمی‌کردند، بایستی تا پایان سال مالی ۱۳۰۳ مالیات بنا می‌پرداختند؛ ولی در نتیجه تحقیقات وزارت فرهنگ در سال ۱۳۰۴، معلوم شد که در این مدارس نیز دروسی به زبان ترکی تدریس می‌شود و اوضاع این مدارس با مدارس ملی ترکیه مغایرتی ندارد؛ بنابراین در مهر ۱۳۰۴ وزارت فرهنگ این کشور خدمت این‌گونه مدارس به فرهنگ عمومی ترکیه را تصدیق کرد. از بین این مدارس آن‌هایی که به قصد تحصیل درآمد تأسیس شده بودند مانند



سابق به پرداخت مالیات بنا مکلف بودند و مدارسی که مقصود آنها تحصیل درآمد نبود با تصدیق وزارت فرهنگ ترکیه در راستای خدمت آنها به فرهنگ عمومی از پرداخت مالیات معاف بودند (استادوخ، ۱۳۱۷-۱۳۱۸ش، کارتن ۷۲، پرونده ۱۶۸۳، ص ۶۷).

در این بخش نامه ذکر شده بود که اگر در نتیجه تحقیقات مشخص شود که درآمد مدرسه از هزینه‌های آن بیشتر است و مازاد آن میان کاربه‌دستان و مؤسسان آن توزیع می‌شود و یا به امر دیگری چون تجارت و... اختصاص می‌یابد، هرچند که مبلغ جزئی باشد، نشان از قصد درآمدزایی است و از مالیات معاف نخواهد بود. نکته دیگر آن که اگر معلوم شود که درآمد از هزینه کمتر است و کسر هزینه با اعانه‌های خارجی جبران می‌شود و یا مشخص شود که درآمد از هزینه بیشتر است و اضافه‌درآمد برای تعمیر، توسعه و پیشرفت مدرسه صرف می‌شود یا به نام مدرسه ذخیره می‌شود نشان می‌دهد که آن مدرسه قصد درآمدزایی ندارد و اگر استیجاری نباشد از مالیات معاف می‌شود.

مسئله مهم دیگر این بخش نامه آن بود که شناخت درآمدزایی و عدم درآمدزایی مدارس و صحت و سقم آن برپایه بررسی عملکرد سه سال قبل آنها بود (استادوخ، سال ۱۳۱۷-۱۳۱۸ش، کارتن ۷۲، پرونده ۱۶۸۳، ص ۶۷).

به‌هرروی، ژنرال کنسول‌گری ایران در اسلامبول طی چند مراسم به سفارت ایران در آنکارا دربارهٔ مراجعهٔ متصدیان مالیاتی ترکیه به مدارس و مریض‌خانهٔ ایرانیان برای بررسی امور مالی آنان گزارشی ارائه داده‌است و نگرانی خود را از این بابت به اطلاع سفیر ایران رسانده‌است (استادوخ، ۱۳۰۸ش، کارتن ۹، پرونده ۲۳۲، صص ۲ و ۵).

۲.۳. اوضاع آموزشی دبستان

بررسی فراوان آرشیو وزارت امور خارجه و نیز مذاقه در اسناد بازشناسی شده در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و هم‌چنین بررسی روزنامه‌های متعدد و به‌ویژه نشریات ایرانی در امپراتوری عثمانی، اطلاعاتی کامل با جزئیات فراوان، برای رسیدن به درکی جامع از شرایط و اوضاع نظام آموزشی دبستان ایرانیان در طرابوزان در اختیار محقق قرار نداد. نبود آمار دقیق و جزئی‌سالیانه از تعداد معلمان و نیز شاگردان باعث شد که از تعداد دانش‌آموختگان دبستان از ابتدای تأسیس تا تعطیلی دائمی آن و نیز کاهش و افزایش تعداد دانش‌آموزان اطلاعی کسب نشود.

شواهد نشان می‌دهد که پس از افتتاح دبستان ناصری در طرابوزان و استخدام چند معلم، امور دبستان نظم و نسقی خاص یافت. معلمان زبان‌های فارسی، عربی و ترکی دبستان از اشخاص برجسته و سرآمد انتخاب شدند و امور دبستان سامان یافت. ترقی و پیشرفت

دبستان چنان شد که برخی از فرزندان اعیان طرابوزان نیز در این دبستان شروع به تحصیل کردند. امتحانات دبستان نیز اغلب با حضور ناظر معارف محلی، مفتی و قاضی شهر و جمعی از بزرگان آن دیار برگزار می‌شد. نام این دبستان در روزگار مذکور در فهرست دبستان‌های شهر طرابوزان ذکر شده‌است و مدرک آن نیز مورد پذیرش آن کشور بود و شاگردان پس از تحصیل در مقطع ابتدایی، با تکیه بر مدرک خود می‌توانستند در مدارج بالاتر در آن کشور وارد شوند (پرورش، سال اول، شماره ۲۵، ۱۸ شعبان ۱۳۱۸، ص ۱۴).

جایگاه مدارس نوین در آن روزگار چنان بود که اجرای امتحانات، توزیع کارنامه تحصیلی و انتخاب دانش‌آموزان ممتاز و دادن پاداش به آنان با جلال و شکوهی خاص همراه بود؛ چنان‌که در سال تحصیلی ۱۳۱۷-۱۳۱۸ ق‌ه‌گ‌م‌ی که امتحانات تمام شد، تالار مدرسه به انواع تزیینات مزین شد و فرش‌ها و منسوجات ایرانی گسترانده شد و بیرق‌های دو کشور به اهتزاز درآمد و در حضور والی ولایت طرابوزان و تمام صاحب‌منصبان لشکری و کشوری، کنسول‌های دولت‌های خارجی، اعیان و اشراف آن ولایت و بزرگان تجار ایرانی مراسم پایان امتحانات اجرا شد. در این مراسم، یک دسته موزیک نظامی از آغاز تا پایان مجلس، «نغمات» ایرانی و عثمانی و سلام حمیدی و مظفری را نواختند. تعدادی از شاگردان مدرسه نیز سخنان و خطابه‌هایی به زبان‌های فارسی، ترکی و فرانسوی ایراد کردند و متن خطابه‌های آنان به زبان فارسی و ترکی در نشریه محلی «طرابزون» درج شد (حکمت، سال ۸، شماره ۱۱، غره جمادی‌الاول ۱۳۱۷، صص ۹-۱۰).

مدارکی درباره مواد درسی، روش تدریس و فعالیت‌های فوق‌برنامه دبستان ایرانیان در طرابوزان به دست پژوهش‌گر نیامد. گزارشی ارزش‌مند از سال ۱۳۰۴ش در دست است که طبق آن در سال تحصیلی ۱۳۰۴-۱۳۰۵ش تعداد کلاس‌های دبستان احمدیه به دو کلاس ختم می‌شده‌است. برپایه این گزارش، تعداد کل دانش‌آموزان در دبستان مذکور ۱۶ نفر بوده‌اند که طبق برنامه وزارت معارف ایران تحصیل می‌کرده‌اند. دانش‌آموزان این مدرسه به صورت مجانی تحصیل می‌کرده‌اند و هیچ‌گونه شهریه‌ای پرداخت نمی‌کرده‌اند.

تعداد معلمان دبستان احمدیه در سال تحصیلی ۱۳۰۴-۱۳۰۵ش دو نفر بود. معلم شرعیات دبستان فردی به نام شیخ حسین بود که ماهیانه ۶۰ لیره دریافت می‌کرد و فردی به نام ریاضی نیز مدیر مدرسه و معلم بود که ماهیانه ۸۰ لیره دریافت می‌کرد. مستخدم مدرسه نیز ماهیانه ۳۰ لیره حقوق می‌گرفت. البته طبق درخواست مدیر مدرسه و کنسول ایران در طرابوزان به استخدام یک معلم برای تدریس زبان ترکی نیاز بود که حقوق او نیز حدود ۴۰ لیره تعیین شده بود (استادوخ، ۱۳۰۲-۱۳۲۸ش، کارتن ۸، پرونده ۵، صص ۱۰-۱۱).



زبان رسمی آموزش در این دبستان فارسی بود و معلمان ملزم بودند که با دانش آموزان به فارسی تکلم کنند (استادوخ، ۱۳۰۲-۱۳۲۸ش، کارت ۸، پرونده ۵، صص ۱۰-۱۱).

نتیجه

دبستان ایرانیان در طرابوزان بعد از دبستان ایرانیان در ازمیر و اسلامبول، سومین دبستان به سبک مدرن بود که حدود ۱۳ سال پیش از تأسیس دبستان رشیدی در ایران، به عرصه فعالیت پا گذاشت. در تأسیس این دبستان غیر از میرزا حسین خان مصباح السلطنه (کنسول ایران در طرابوزان)، تجار علاقه مند هم نقشی برجسته در بنیان گذاری مدرسه و ادامه فعالیت آن ایفا کردند. فعالیت و تشویق فراوان و بی وقفه روزنامه اختر از ابتدای انتشار در سال ۱۲۹۲ق تا تأسیس دبستان در ۱۳۰۲ق نقشی برجسته در جلب توجه ایرانیان آن سامان در شکل گیری و توسعه آموزش های نوین ایفا کرد. این نشریه به محل تجمع و کانون فکری تعدادی از روشن فکران و نویسندگان ایرانی مهاجر در اسلامبول تبدیل شده بود و در بسیاری از شماره های آن مقالات و اخباری ارزش مند درباره اهمیت مدارس جدید و نقش آن در پیشرفت و توسعه کشورها چاپ می شد. این افراد اقدامات دولت مردان و انجمن های داوطلبانه در کشورهای غربی و به ویژه در دو مملکت روسیه و عثمانی در تأسیس مدارس سبک نوین را مدام به اطلاع خوانندگان می رساندند.

شکل گیری مدارس جدید به سبک مدرن، پارادایمی جدید را در حوزه آموزش شکل داد که به تدریج به پارادایم مسلط تبدیل شد و به آرامی به پارادایم آموزش به سبک مکتب خانه ای پایان داد. دبستان ایرانیان در ازمیر، اسلامبول، طرابوزان و ایروان جزء نخستین گام ها در این حوزه به شمار می رفتند و الگویی مناسب برای شکل یابی مدارس جدید در درون مرزهای ایران شدند که پرداختن به آن خود پژوهشی دیگر را می طلبد.

آموزش به شکل مدرن در مدارس چون دبستان ایرانیان در طرابوزان فضای آموزشی جدیدی را خلق کرد که با پیش از خود گسستی تاریخی داشت. تفاوت اساسی مواد درسی، سنجش و ارزیابی تحصیلی، انتخاب معلمان، سن و جنس دانش آموزان، معماری و فضای این مدارس و از جمله دبستان مذکور با مکتب خانه ها، از گسستی اساسی در حوزه تعلیم و تربیت حکایت دارد. حضور بزرگان سیاسی و اقتصادی ایرانی مقیم طرابوزان و مشارکت والی آن دیار با سران کشوری و لشکری آن سامان به اتفاق کنسول دولت روسیه و بریتانیا در مراسم های این مدرسه نشانه جایگاه ویژه این دبستان جدید در حوزه ترقی و توسعه و به ویژه پارادایمی جدید در حوزه نظام آموزشی بود. قصد این پژوهش، بررسی تطبیقی شیوه کهنه و نو آموزش در دبستان مورد مطالعه و مکتب خانه ها نبود و اسناد و

مدارک پراکنده و ناقص نیز امکان چنین اقدام ارزش‌مندی را از پژوهشگر سلب کرد؛ ولی تحول در حوزه معماری و شکل‌گیری فضای مدرن آموزشی، بررسی راه‌های کسب عایدات ثابت و متغیر و تاحدودی شناخت جریان آموزش در این مدرسه از اهداف این پژوهش بود که بررسی و تبیین شد.

مشارکت اجتماعی ایرانیان مقیم طرابوزان در انجام امور خیریه هم‌چون خرید زمین به‌عنوان قبرستان ایرانیان و احداث دبستانی برای آموزش مجانی فرزندان ایرانیان از اقبال مختلف و شکل‌دهی به انجمن‌هایی در این حوزه از سرمایه اجتماعی و افزایش آن نشان دارد. در فعالیت برای تأسیس دبستان ایرانیان در طرابوزان و فعالیت گسترده برای تداوم حیات آن می‌توان به روشنی تعامل دو حوزه سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی را مشاهده کرد. آموزش نوین در مدرسه مذکور و پذیرش مدرک دانش‌آموختگان آن از سوی نظام آموزشی و دیوان‌سالاری حکومت عثمانی خود نشانه‌ای از سرمایه‌ای فرهنگی برای دانش‌آموزان این دبستان است.

منبع

اسناد

اسناد وزارت امور خارجه (استادوخ):
 ۱۳۲۸ق، کارت‌ن ۱۱، پرونده ۱؛ سال ۱۳۰۸ش، کارت‌ن ۹، پروند ۲۳۳؛ سال ۱۳۱۷-۱۳۱۸ش، کارت‌ن ۷۲، پرونده ۱۶۸۳؛ سال ۱۳۰۲-۱۳۲۸ش، کارت‌ن ۸، پرونده ۵؛ سال ۱۳۲۹-۱۳۴۹ش، کارت‌ن ۲۳، پرونده ۱۶۹.

کتاب

جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۷۸). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*. (ج ۴). (چ ۱). تهران: کتاب‌خانه گنج دانش.
 رفعت، احمد. (۱۳۰۰ق). *لغات تاریخیه و جغرافیه*. (ج ۴). اسلامبول: محمودبگ مطبعه سی.
 فراهانی، میرزا محمد حسین. (۱۳۶۲). *سفرنامه*. (مسعود گل‌زاری، محقق و مصحح). تهران: فردوسی.
 عیسوی، چالز. (۱۳۶۲). *تاریخ اقتصادی ایران ۱۳۳۲-۱۲۱۵ ه. ق.* (چ ۱). (یعقوب آژند، مترجم). تهران: گستره.
 سامی، شمس‌الدین. (۱۳۱۱ق). *قاموس الاعلام*. (ج ۴). اسلامبول: مهران مطبعه سی.

مقاله

آبراهامیان، یرواند. (۱۳۸۰). «معرفی یک سند: تجارت در قدیم‌الایام در ولایات شمالی ایران». (محمد



عَوَادزاده. مترجم). *تاریخ معاصر ایران*، سال ۵، شماره ۱۸، صص ۱۸۱-۱۹۴.

نشریات

- اختر: سال ۱۲، شماره ۵۸، ۲۴ ذی قعدة ۱۳۰۳؛ سال ۱۳، شماره ۲۳، ۱۳ جمادی الآخر ۱۳۰۴.
احصائیة تجارتي ایران: ج ۲، از ۳۰ اسفند ۱۲۹۲ تا ۲۸ اسفند ۱۲۹۳.
پرورش: سال اول، شماره ۲۵، ۱۸ شعبان ۱۳۱۸.
چهره‌نما: سال ۶، شماره ۱۶، اذی حجة ۱۳۲۷.
حکمت: سال ۸، شماره ۱۱، غرة جمادی الاول ۱۳۱۷.
کتابچه کل تجارت: از افروردین ۱۲۸۸ تا ۲۹ اسفند ۱۲۸۸.

منابع لاتین

کتاب

SEZEN, TAHİR. (2006). *OSMANLI YER ADLARI*. Ankara: BAŞBAKANLIK DEVLET ARŞİVLERİ GENEL MÜDÜRLÜĞÜ YAYIN NO: 26.

English Translation of References

Documents

Edāre-ye Asnād va Tārix-e Diplomāsi-ye Vezārat-e Xārejuh (Estādox) (Office of Archives and Diplomacy History of the Ministry of Foreign Affairs):
1328 AH / 1910, Box 11, Folder 1; 1308 SH / 1929, Box 9, Folder 233; 1317 – 1318 SH / 1938 – 1939, Box 72, Folder 1683; 1302 – 1328 SH / 1923 – 1949, Box 8, Folder 5; 1329 – 1349 SH / 1950 – 1970, Box 23, Folder 169. [Persian]

Books

- Farahani, Mirza Mohammad Hosein. (1362/1983). *“Safarnāmeḥ”* (Travelogue). Researched and edited by Masoud Golzari. Tehran: Ferdowsi. [Persian]
- Issavi, Charles Phillip. (1362/1983). *“Tārix-e eqtesādi-ye Irān: Qājārieh 1215-1332 AH”* (The economic history of Iran). Translated by YaghubAzhand Tehran: Gostareh. [Persian]
- Jafari Langaroudi, Mohammad Jafar. (1378/1999). *“Mabsut dar terminoloži-ye ho-*



quq” (Terminology of law) (vol. 4) (1st ed.). Tehran: Ketābxāne-ye Ganj-e Dāneš.
[Persian]

Rafat, Ahmad. (1300AH/1883). **“Loqāt-e tārixīyeh va joqrāfiyeh”** (Historical and geographical dictionary) (vol. 4). Eslāmbol: MahmoudbeygMatbaʿe-ye Si.[Persian]

Sami, Shams Al-Din. (1311AH/1893). **“Qāmusol-a’lām”** (General encyclopedia of history and geography) (vol. 4). Eslāmbol: MehrānMatbaʿe-ye Si.[Persian]

Sezen, Tahir. (2006). **OSMANLI YER ADLARI**. Ankara: BAŞBAKANLIK DEVLET ARŞİVLERİ GENEL MÜDÜRLÜĞÜ YAYIN NO: 26.

Articles

Abrahamian, Ervand. (1380/1999). “Mo’arrefi-ye yeksanad: Tejāratdar Qadim-ol-ayyāmdarvelāyāt-e šomāli-ye Irān” (Introduction of a document: Trade in ancient times in the northern provinces of Iran). Translated by MahmoudAvvadza-deh, & Mohammad Ebrahim Fattahi. Tehran: **Tārix-e Mo’āser-e Irān**, 5(18), pp. 181 – 194. [Persian]

Press

Axtar: year 12, issue 58, 24 Dhū al-Qa’dah 1303 / 21 August 1886; year 13, issue 23, 13 Jumādā al-Thānī 1304 / 9 March 1887.[Persian]

Čehre-namā: year 6, issue 16, 1 Dhū al-Ḥijjah 1327 / 14 December 1909.[Persian]

Ehsāeeye-ye Tejāratī-ye Irān: vol. 2, from 30 Esfand 1292 / 21 March 1914 to 28 Esfand 1293 / 20 March 1915.[Persian]

Hekmat: year 8, issue 11, the beginning of Jumādā al-Awwal 1317 / 7 September 1899.
[Persian]

Ketābče-ye Koll-e Tejārat: from 1 Farvardin 1288 / 21 March 1909 to 29 Esfand 1288 / 20 March 1910.[Persian]

Parvareš: 1st year, issue 25, 18 Ša’bān 1318 / 11 December 1900.[Persian]

